

به پانه بیست و چهارمین سالروز استقلال قزاقستان

نگاهی به روابط دیپلماتیک دولت قزاقستان و دولت وحدت ملی افغانستان

مهدی زرتشت



سیاست خارجی: دولت قزاقستان در نظر دارد تا عضویت خود را در شورای امنیت سازمان ملل متحد، بررسی نماید. در پرتو این تصمیم، جمهوری قزاقستان در نظر دارد تا «سه‌م خویش را در کار شورای امنیت سازمان ملل متحد در راستای حمایت از صلح و امنیت جهانی، ایفاء نماید.» همچنین قزاقستان در نظر دارد تا مبارزات انتخاباتی قزاقستان بخاطر عضویت مؤقتی در شورای امنیت سازمان ملل متحد حول مسائل هسته‌ای، آب، امنیت غذایی و انرژی در جهان متمرکز کند.

دولت قزاقستان در سیاست خارجی خود، دولت قزاقستان در پرتو مشارکت این کشور در تعداد زیادی از فرایندهای منطقه‌ای و جهانی و همچنان با توجه به نقش فعال میانجیگری و اعتماد سازی، به عنوان یک شرک صادق عمل می نماید. قزاقستان در بی طرفی، رفتار متعادل و مؤثر در برابر تمامی بازیگران سیاست بین المللی با اتخاذ یک دیپلماسی کارا و همه جانبه، معروف است.

در یکی از بیانیه‌های ریاست جمهوری قزاقستان آمده است که «قزاقستان مأموریت خود را در منطقه آسیای مرکزی برای تحکیم سیستم امنیت و ثبات منطقه ای، بیش از پیش منسجم تر می کند.» قزاقستان در سیاست خارجی خود، فرصت‌های بزرگی کشورهای منطقه را مدنظر قرار داده و گام خود را برای مبارزه با تروریسم جهانی، افراط گرایی، مهاجرت های غیر قانونی، قاچاق مواد مخدر و سایر چالش های امروزی، استوارتر و جدی تر می کند.

روابط دیپلماتیک قزاقستان و دولت وحدت ملی افغانستان جمهوری قزاقستان از دهه می شود. پس از آنکه قزاقستان

توانست ۹۷ درصد کل آرای رأی دهندگان را بدست بیاورد. در قانون اساسی جمهوری قزاقستان مسجل شده است که «اولین رئیس جمهور قزاقستان مستقل، می تواند خود را به طور ناهجود کاندیدای ریاست جمهوری کند.» دلیل این درصد بلند آراء گام های استوار و آینده ساز را برای قزاقستان به رئیس جمهور نظربایف از زمان استقلال این کشور تا به امروز، با طرح برنامه های بزرگ توسعه ای و ایجاد یک سیستم سیاسی کارا و مؤثر، توانسته است کشوری درگیر بحران با اقتصاد ورشکسته را به یک کشور پابناات توسعه گرا، تبدیل کند.

است. اقتصاد قزاقستان در حال رشد است، وحدت ملی به عنوان یک رکن اساسی، حکومتداری، در سراسر کشور بوجود آمده است، تعامل و اعتبار جهانی قزاقستان به درجه خوبی رسیده است و قزاقستان ریخته و پاشان سال ۱۹۹۲، جایش را به یک کشور با ثبات و امن و در حال توسعه داده است.

اکنون جمهوری قزاقستان، یکی از امن ترین و پابناات ترین کشور در میان کشورهای آسیای مرکزی است. دولت پرزنت نظربایف با مؤلفه هایی حکومتداری و مدرن و از جمله توسعه اقتصاد تجارتي و اقتصاد تولیدی، رفیورمیزاسیون ساختار قدرت و تأمین و تقویت وحدت ملی (национальное единство) به عنوان یک اصل ملی، تقویت روحیه میهن پرستی و تقویت جامعه مدنی و ملتی واحد با فرهنگ و ارزش های متکثر، شالوده یک دولت پابناات را ترح و ترسیم کرده است.

۲۶ آپریل سال جاری، انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری قزاقستان برگزار شد. در این انتخابات دموکراتیک، نورسلطان نظربایف (Нурсултан Назарбаев) در مقابل دو رقیب خود،

استقلال: دولت و مردم جمهوری قزاقستان برای برگزاری بیست و چهارمین سالروز استقلال کشور خود، با دلی جمع خودشان را برای جشن آماده کرده اند.

جمهوری قزاقستان نزدیک به هفتاد سال، عضو فعال اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بود. پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، جمهوری قزاقستان آخرین کشور از میان هفده اقمار شوروی بود که به تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲، اعلام استقلال کرد. استقلال قزاقستان نیز از این که همیشه زندگی شان را در فقر، بدبختی و جنگ سپری کرده اند؛ آرزو دارند که روزی به یمن دلسوزی، درایت و صداقت سران حکومت، در افغانستان امن، با ثبات و آباد زندگی کنند و در سسایه درایت و شایستگی دولتمردان، مسیر رفاه و آسایش برای شهروندان فراهم گردد و کلیای ملی شکل بگیرد. این آرزو زمانی تحقق پیدا خواهد کرد که ما بتوانیم از تمام ظرفیت های موجود در کشور در آن راستا بهره ببریم.

متأسفانه به دلایل مختلف حکومت های افغانستان از این موقعیت به نفع امنیت، حفظ ثبات و توسعه همه جانبه سیاسی و اقتصادی بهره برده نتوانستند. بی اعتمادی ها و خصم پنداری های حکومت مرکزی نسبت به برخی کتله های اجتماعی سبب اتکای روز افزون حکومت به کشورهای خارجی گردید و وابستگی به هر یکی از کشورها به صورت طبیعی خصومت کشورهای رقیب را در پی می آورد. افغانستان در این گیرودار از یک طرف به میدان دخالت کشورهای خارجی تبدیل می گردید و از سوی دیگر منابع مادی آن توسط کشورهای بیگانه به غارت می رفت.

موقعیت حساس و مهم جغرافیایی و حجم بزرگی از ذخایر زیر زمینی اگر سایر کشورها را از دشواری ها و تنگناها عبور داده، اما افغانستان را به فلاکت و بدبختی نزدیک ساخته است. نتیجه این غفلت تاریخی این است که مردم افغانستان در دومین دهه قرن بیست و یکم هنوز نمی دانند که از پتانسیل های ملی چطور سود ببرند و چطور با کشورها در محور منافع ملی تعامل برقرار نمایند، تا زمینه دخال و اشغال افغانستان توسط آنها هموار نشود.

توجه کشورهای خارجی به افغانستان در چهارده سال گذشته و سرازیر شدن میلیاردها دلار به این کشور این امیدواری را به وجود آورده بود که حد اقل این کمک ها در بازسازی و نوسازی زیربنای اقتصادی و سیاسی در کشور مفید واقع شود؛ ولی اکنون دیده می شود که بیشتر این کمک ها از طریق فساد دوباره به بانک های خارجی واریز گردیده و تعداد دیگر آن به امورات روزمره به مصرف رسیده است. از این فرصت طلایی بازم افغانستان به نفع ثبات، امنیت و پیشرفت و توسعه اقتصادی استفاده نکرد. کمک های خارجی به جای این که به روند قانونی شدن امورات زندگی در افغانستان منجر شود، ریشه های فساد را در کشور تقویت کرد و زندگی مافیایی را در لایه های مختلف جامعه رواج داد.

با این که در چهارده سال گذشته، بیش از چهل کشور در افغانستان حضور داشتند و افغانستان را در بخش های گوناگون بازسازی و توسعهی حمایت و پشتیبانی می کردند، امروز بازم این کشور از دخالت های نامشروع سایر کشورها در امان نیست و بازم برای تأمین بودجه ملی خود به کمک های مادی کشورهای خارجی نیازمند است. وضعیت نابسامان کنونی، فقر، بیکاری و پلاکلیفی اکثر شهروندان، نشان می دهد که سیاستمداران و فرمانروایان ما تا هنوز نتوانسته اند راه بیرون رفت از وابستگی، فقر و عقب ماندگی را پیدا کنند.

پروژه تابی باهمه موانعی که بر سر راه آن وجود دارد، چنانچه به مرحله اجرا برسد می تواند یک تحول بزرگ در راستای همکاری های مشترک اقتصادی و سیاسی در منطقه به وجود آورد و می تواند مسیرهای جدیدی را به سوی توسعه و پیشرفت در کشور باز کند. این پروژه می تواند آغازی برای شروع یک مرحله جدید تلقی گردد.

به تاریخ ۱۹ نوامبر سال جاری، بنا به دعوت نورسلطان نظربایف رئیس جمهور قزاقستان، محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان به همدف یک دیدار رسمی و دیپلماتیک، وارد آستانه شد. بر اساس گزارش سایت ریاست جمهوری افغانستان، در جریان این دیدار رئیس جمهور قزاقستان بر گسترش همکاری میان دو کشور در عرصه های اقتصادی، سیاسی و امنیت جهانی تأکید کرد. در این دیدار، نظربایف اعلام کرد که «دولت قزاقستان از فرایند صلح فراگیر و شفاف و مبتنی بر رعایت قانون اساسی کشور و تلاش مردم افغانستان برای صلح پایدار، قاطعانه حمایت می کند.» در مقابل، رئیس جمهور محمد اشرف غنی از نامزدی جمهوری قزاقستان برای عضویت غیر دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد، اعلام حمایت کرد. همچنان، اشرف غنی از رئیس جمهور قزاقستان تقاضا کرد تا برنامه بورسیه های رایگان قزاقستان برای دانشجویان افغانستان را که از سال ۲۰۱۰ شروع شده، تمدید نماید. به گزارش سایت ریاست جمهوری افغانستان «طرفین از مقابله موفقانه قوای همکاری متقابل ارگان های با صلاحیت دو کشور در مبارزه مشترک با تروریسم بین المللی، افراط گرایی و مواد مخدر تشدید گرد.»

دولت وقامات سیاسی قزاقستان بارها خاطر نشان کرده اند که افغانستان برای حل معضل داخلی و مبارزه با افراط گرایی، بد نیست از سیاست داخلی قزاقستان الگو برداری کند. در نشست های مکرر نگارنده مطالب جاضر با دیپلمات های قزاقستانی، آنها دائماً به این نکته اشاره کرده اند که ثبات داخلی افغانستان، به اصل «وحدت ملی» وابسته است. به باور آنها، تأمین وحدت ملی به عنوان عامل اصلی ثبات و همگرایی داخلی، تنها از طریق فرهنگ کثرت گرایی و انکشاف متوازن همه ی مناطق کشور، میسر و ممکن است. اصولاً دولت باید مجری برنامه ملت سازی و انسجام اجتماعی و قومی باشد. ثبات داخلی و همگرایی قومی برای رسیدن به فرایند ملت سازی، گام اساسی است. دولت قزاقستان توانسته است الگوی مناسبی را برای این کار، طرح و اجرا کند. طرح افغانستان با ثبات و آرام نیز تنها از مجرای برنامه های وحدت ملی و عدالت اجتماعی و مساوات و مبارزه هدفمندانه و قاطع با افراط گرایی و رادیکالیسم دینی، میسر است.

ضرورت مبارزه مشترک با داعش در منطقه

علی قادری

مورد تهدید داعش است ایران به همان میزان در معرض خطر واقع است. در کشورهای منطقه به هر میزان که بنیادگرایی رشد نماید به همان میزان منافع هند و امنیت هند مورد تهدید واقع می شود. زیرا، اولین تهدید این است که کشمیر تحت حاکمیت هند نایم می شود. در سال های که گروه طالبان در افغانستان حاکمیت داشت کشمیر هند یکی از ناایم ترین مکان ها بود. زیرا، بنیادگراها در صد آن بودند تا از طریق کشمیر هند را مورد حمله قرار دهد. با این حال، آنچه هند را مورد تهدید قرار می دهد رویکرد پاکستان نسبت به گروه های دهشت افکن است. هند به عنوان یک ابرقدرت منطقه و دارای رشد اقتصادی سریع به بازار های جدید نیاز دارد. ناایم شدن کشور های همانند افغانستان و آسیای میانه اقتصاد هند را ضربه می زند.

چین به عنوان دومین قدرت اقتصادی جهان با خطری بزرگتر از دیگر کشورها مواجه است. زیرا، چین برای رقابت با آمریکا در سطح جهان نیازمند همگرایی و ثبات در کشورهای منطقه است. گروه داعش تهدید کننده جدی ثبات منطقه است. بی ثباتی در منطقه هم باعث می شود که چین قادر به تأمین انرژی مورد نیاز خود نباشد هم بازار های منطقه را از دست بدهد. بنابراین، چین نیز به صورت غیر مستقیم از رشد بنیادگرایی و داعش ضربه می خورد.

مسائل مذکور بیانگر این مسئله است که داعش تهدید جدی برای منطقه است. کشورهای منطقه نیازمند هماهنگی و مبارزه مشترک با این گروه است. فراموش نکنیم که داعش در حال سربرازگری در منطقه است. گذشت زمان باعث تقویت و نیروگیری داعش در منطقه می شود و آن زمان برای اقدام مشترک دیر خواهد بود.

پاکستان زمینه های اجتماعی رشد و سربرازگری داعش فراهم است. در کنار زمینه های اجتماعی اما، در کشور های افغانستان و پاکستان سیاست های رسمی نسبت به گروه های تندرو و دهشت افکن ضعیف است. به عبارت دیگر، سیاست رسمی نسبت به گروه های بنیادگرا تا اندازه ای جزای است. بدین معنی که حکومت پاکستان به صورت ویژه و حکومت افغانستان نیز از گروه های بنیادگرا در بسی مواردی حمایت می کند و علیه همدیگر برای دست یابی به منافع ملی خود استفاده می کند. این سیاست فرصت ها و زمینه های رشد گروه های بنیادگرا همانند داعش را ممکن می گرداند. در کشور های آسیایی میانه حکومت ها نسبت به حقوق اساسی شهروندان بی توجه است و این مسئله باعث شده است که شکاف جدی و عمیق میان مردم و حکومت شکل گیرد. این شکاف باعث شده است که مردم کمتر احساس تعلق نسبت به حکومت داشته باشد. این شکاف منجر می شود که مردم برای دست یابی به حقوق و آزادی های اساسی خود به گروه های خارج از دولت مراجعه نمایند. از طرف دیگر، مردم آسیایی میانه هم تعلق خاطر نسبت به حکومت در این کشور ها ندارد و هم سلب حقوق اساسی از سوسی حکومت این کشورها موجب شده است که مردم گرایش به گروه های تندرو و مذهبی داشته باشد. در گزارشهایی که در رسانه های بین المللی منتشر شده است نشان می دهد که داعش بخش از نیروهای خود را از کشور های آسیای میانه جلب و جذب می کند. این بدین معنی است که کشور های

داعش به عنوان یک گروه تروریست خطر جدی برای افغانستان، پاکستان، کشورهای آسیای میانه و روسیه است. این گروه تهدید بالقوه برای تمام کشورهاست اما داعش برای کشورهای مذکور تهدید جدی تر محسوب می شود. کنفرانسی که در مسکو برگزار شده بود، پر مبارزه مشترک با داعش تأکید شد. اگر چه پاکستان در این کنفرانس حضور نداشت با این حال، خطری که پاکستان را تهدید می کند، بیشتر از کشورهای آسیایی میانه و افغانستان است. با این حال، آنچه در کنفرانس مسکو تأکید شد نیازمند آن است که از سوی نخبگان و نهادهای حکومتی کشورهای شرکت کننده دنبال گردد. نوشتار کنونی تلاش دارد تهدید جدی داعش را علیه کشور های مذکور به بحث بگیرد.

زمینه های رشد بنیادگرایی در افغانستان، آسیای میانه و پاکستان وجود دارد. زیرا، در افغانستان و پاکستان اندیشه های بنیادگرایانه در سطح جامعه رشد چشمگیر داشته است. در نظر سنجی که در پاکستان صورت گرفت بخش عظیمی از جمعیت و نفوذ مردم نسبت به حضور داعش بی تفاوت بود. ایس بی تفاوتی نشان می دهد که مقاومت مردمی در برابر بنیادگرایی و گروه های تندرو و تروریست همانند داعش وجود ندارد. این مسئله سبب می شود تا داعش بتواند به آسانی در پاکستان نفوذ نماید. در افغانستان نیز بخش از مردم فهم بنیادگرایانه از دین و آموزه های مذهبی را پذیرفته اند. از این جهت، گروه داعش به آسانی می تواند در افغانستان سربراز گیری و نیروگیری نماید. گزارش های که در مورد افغانستان منتشر شده است نیز نشان می دهد که گروه داعش در اکثر ولایات افغانستان حضور دارد. بنابراین، در افغانستان و

کارتون روز

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش در و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

سرمقاله

تابی؛ چشم انداز روشن برای آینده

حفیظ الله ذکی

پس از نزدیک به دو دهه تلاش، رایزنی و مقابله با تهدیدها و چالش ها بالاخره کار عملی پروژه تابی آغاز شد. آغاز این پروژه بدون شک امیدواری های جدیدی را برای مردم افغانستان خلق می کند و سبب تغییرات بنیادی در سطح منطقه می گردد. آسیای مرکزی همانظوری که می تواند به عنوان منبع انرژی برای جنوب آسیا مطرح باشد، بازار خوب و پرسودی برای این کشورها نیز به شمار می آید.

پروژه تابی رؤیای افغانستان را برای تبدیل شدن به چهارراه تجاری منطقه به واقعیت نزدیک می سازد. افغانستان از موقعیت ژئواستراتژیکی برخوردار می باشد و در طول تاریخ همه کارشناسان این موقعیت مهم جغرافیایی را بسیار ارزنده توصیف کرده اند و مردم افغانستان نیز از این که همیشه زندگی شان را در فقر، بدبختی و جنگ سپری کرده اند؛ آرزو دارند که روزی به یمن دلسوزی، درایت و صداقت سران حکومت، در افغانستان امن، با ثبات و آباد زندگی کنند و در سسایه درایت و شایستگی دولتمردان، مسیر رفاه و آسایش برای شهروندان فراهم گردد و کلیای ملی شکل بگیرد. این آرزو زمانی تحقق پیدا خواهد کرد که ما بتوانیم از تمام ظرفیت های موجود در کشور در آن راستا بهره ببریم.

متأسفانه به دلایل مختلف حکومت های افغانستان از این موقعیت به نفع امنیت، حفظ ثبات و توسعه همه جانبه سیاسی و اقتصادی بهره برده نتوانستند. بی اعتمادی ها و خصم پنداری های حکومت مرکزی نسبت به برخی کتله های اجتماعی سبب اتکای روز افزون حکومت به کشورهای خارجی گردید و وابستگی به هر یکی از کشورها به صورت طبیعی خصومت کشورهای رقیب را در پی می آورد. افغانستان در این گیرودار از یک طرف به میدان دخالت کشورهای خارجی تبدیل می گردید و از سوی دیگر منابع مادی آن توسط کشورهای بیگانه به غارت می رفت.

موقعیت حساس و مهم جغرافیایی و حجم بزرگی از ذخایر زیر زمینی اگر سایر کشورها را از دشواری ها و تنگناها عبور داده، اما افغانستان را به فلاکت و بدبختی نزدیک ساخته است. نتیجه این غفلت تاریخی این است که مردم افغانستان در دومین دهه قرن بیست و یکم هنوز نمی دانند که از پتانسیل های ملی چطور سود ببرند و چطور با کشورها در محور منافع ملی تعامل برقرار نمایند، تا زمینه دخال و اشغال افغانستان توسط آنها هموار نشود.

توجه کشورهای خارجی به افغانستان در چهارده سال گذشته و سرازیر شدن میلیاردها دلار به این کشور این امیدواری را به وجود آورده بود که حد اقل این کمک ها در بازسازی و نوسازی زیربنای اقتصادی و سیاسی در کشور مفید واقع شود؛ ولی اکنون دیده می شود که بیشتر این کمک ها از طریق فساد دوباره به بانک های خارجی واریز گردیده و تعداد دیگر آن به امورات روزمره به مصرف رسیده است. از این فرصت طلایی بازم افغانستان به نفع ثبات، امنیت و پیشرفت و توسعه اقتصادی استفاده نکرد. کمک های خارجی به جای این که به روند قانونی شدن امورات زندگی در افغانستان منجر شود، ریشه های فساد را در کشور تقویت کرد و زندگی مافیایی را در لایه های مختلف جامعه رواج داد.

با این که در چهارده سال گذشته، بیش از چهل کشور در افغانستان حضور داشتند و افغانستان را در بخش های گوناگون بازسازی و توسعهی حمایت و پشتیبانی می کردند، امروز بازم این کشور از دخالت های نامشروع سایر کشورها در امان نیست و بازم برای تأمین بودجه ملی خود به کمک های مادی کشورهای خارجی نیازمند است. وضعیت نابسامان کنونی، فقر، بیکاری و پلاکلیفی اکثر شهروندان، نشان می دهد که سیاستمداران و فرمانروایان ما تا هنوز نتوانسته اند راه بیرون رفت از وابستگی، فقر و عقب ماندگی را پیدا کنند.

پروژه تابی باهمه موانعی که بر سر راه آن وجود دارد، چنانچه به مرحله اجرا برسد می تواند یک تحول بزرگ در راستای همکاری های مشترک اقتصادی و سیاسی در منطقه به وجود آورد و می تواند مسیرهای جدیدی را به سوی توسعه و پیشرفت در کشور باز کند. این پروژه می تواند آغازی برای شروع یک مرحله جدید تلقی گردد.